

Stretching the "science" in the light of semantics of the "people who Understand" in Sura Fussilat (Based on the semantics of Grimes)

Habibeh Gheisari*

Abdol-Hady Faghhizadeh**

Semiotics is one of the methods of text analysis, and the Holy Qur'an as the most valuable literary text, in its place, is full of signs and tokens that the semiotician must understand these meanings and reach the deep layers of the text. In the third verse, in sura Fussilat Allah says: "The Words of Revelation of this Book Are explained in detail; a Qur'an in Arabic language for people who Understand" In this verse, the purpose of explaining the verses and Arabic is to put them on the people who know it.

The present study seeks to use the knowledge of semiotics and semantic theory of Grimes in relation to the dual oppositions in the structure of the discourse and the discursive discourse of narrative to identify the interactions of the "people who Understand" in this sura and identify ways and means to reach science. After reviewing the authors, they came to the conclusion that the most important solutions to science are: Determination, interest and inner desire, a clear goal, endurance, jubilation, lack of fear and grief and the most important obstacles to reaching science are: Acknowledgments and Disapproval, Arrogance and lack of purpose, as they have found, by enhancing the solutions and removing obstacles and removing them, it is possible to increase the use of science and to acknowledge such a degree of human science.

Keywords: Semiotics, People who Understand, Sura Fussilat, Grimes.

* Ph.D. in Quran and Hadith Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.
(Responsible Author) h.gheisari@ut.ac.ir

** Professor in Department of Quran and Hadith Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran. Faghhizad@ut.ac.ir

اشتداد پذیری «علم» در پرتو نشانه‌شناسی «قوم یعلمون» در سوره فصلت (بر مبنای نشانه‌شناختی گریماس)

حبیبه قیصری*
عبدالهادی فقهی زاده**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۹/۲۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۳/۰۳

مقاله برای اصلاح به مدت ۲۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

چکیده

نشانه‌شناسی یکی از روش‌های تحلیل متن است و قرآن کریم به‌عنوان ارزشمندترین متن ادبی، در جای‌جای آیاتش، سرشار از نشانه و رمز است که نشانه‌شناس باید این معانی را دریابد و به لایه‌های عمیق متن دست پیدا کند. خداوند در آیه سوم سوره فصلت می‌فرماید: «کِتَابٌ فَصَّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»، در این آیه هدف از تفصیل آیات و عربی قرار دادن آن‌ها برای قومی است که می‌دانند. این پژوهش، درصدد است با استفاده از دانش نشانه‌شناسی و نظریه نشانه‌شناختی گریماس، در ارتباط با تقابل‌های دوگانه در ساختار زیربنایی گفتمان و نظام گفتمانی روایی به شناسایی تقابل‌ها و تعامل‌های «قوم یعلمون» در این سوره بپردازد و راهکارها و موانع رسیدن به علم را شناسایی کند. مؤلفان پس از بررسی به این نتایج دست یافتند که مهم‌ترین راهکارها برای رسیدن به علم عبارتند از: عزم و اراده، علاقه و میل درونی، هدف مشخص، استقامت، خشوع، نداشتن خوف و حزن و مهم‌ترین موانع رسیدن به علم نیز عبارتند از: اعراض و عدم پذیرش، استکبار و نداشتن هدف؛ چنان‌که دریافتند با تقویت راهکارها و ریشه‌یابی موانع و برطرف کردن آن‌ها می‌توان میزان بهره‌مندی از علم را افزایش داد و این‌چنین ذو مراتب بودن علم برای انسان را تصدیق کرد.

واژگان کلیدی

نشانه‌شناسی، «قوم یعلمون»، سوره فصلت، گریماس.

طرح مسئله

نشانه‌شناسی علمی است که به بررسی انواع نشانه‌ها، اشارات، دلالت‌ها، نام‌گذاری‌ها، قیاس‌ها، تمثیل‌ها، استعاره‌ها و فرآیند شکل‌گیری نشانه‌ها و فهم ارتباطات معنادار می‌پردازد. این دانش از جمله دانش‌های نوینی می‌باشد که موجب افزایش آگاهی انسان و توجه به اموری است که تاکنون از دیدگان او پنهان مانده‌اند. نشانه‌شناسی دامنه بسیار وسیعی از نظام‌های زبانی و غیرزبانی گوناگون را در برمی‌گیرد و مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهد. اگرچه نشانه‌شناسی ریشه در قرون پیشین داشته، اما در اوایل قرن بیستم توسط فردینان دو سوسور زبان‌شناس سوئیسی و چارلز ساندرز پیرس فیلسوف آمریکایی به یک دانش جامع تبدیل شد.

دانش نشانه‌شناسی برای راه‌یابی به معنا ابزارهای نیرومند و ظرفیت‌هایی فراوان پیش روی پژوهشگران قرار داده است. نشانه‌شناسان برای فهم دقیق و عینی فرآیند تولید متون، گرایش‌های گوناگون نشانه‌شناختی از جمله تحلیل مدل‌های ارتباطی در کنش‌های زبانی را مبنای عمل قرار داده‌اند.

نشانه‌شناسی در کنار رویکردهای دیگری مانند تحلیل بلاغی، تحلیل گفتمان و تحلیل محتوا یکی از روش‌های تحلیل متن است. از جمله کاربردهای دانش نشانه‌شناسی که می‌تواند در زمینه مطالعات قرآنی مورد استفاده قرار گیرد، بررسی نشانه‌ای و احصای ویژگی‌های یک گروه خاص یا بررسی موردی هر کدام از اقوام (قوم عاد، قوم ثمود و...) در کل قرآن یا در یک سوره می‌باشد که با برشمردن ویژگی‌های یک گروه، می‌توان به ویژگی‌های گروه مقابل نیز دست پیدا کرد و با تحلیل و ارزیابی عملکرد این دو گروه نسبت به یک هدف مشخص، راهکارها و موانع رسیدن به آن هدف را بررسی نمود.

در این پژوهش به‌طور خاص به نشانه‌شناسی تقابلی و تعاملی «قوم یعلمون» در سوره فصلت پرداخته می‌شود؛ زیرا خداوند در آیه سوم سوره فصلت می‌فرماید: «كِتَابٌ فَصَّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ»، در این آیه هدف از تفصیل آیات و بیان آن‌ها به‌صورت قرآن عربی در جهت رسیدن انسان به علم است یا اینکه اختصاص به قومی دارد که می‌دانند. علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌گوید که «لام» در جمله «لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» لام تعلیل و یا اختصاص است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۵۹)، بنابراین آیه به این صورت ترجمه می‌شود که تفصیل آیات کتاب برای این است که قوم بدانند یا اختصاص به قومی دارد که می‌دانند.

در هر دو حالت، در این سوره، «قوم یعلمون» مخاطب این تنزیل و تفصیل قرار گرفته‌اند و این پژوهش به دنبال آن است که به این سؤالات پاسخ دهد:

- «قوم یعلمون» در سوره فصلت چه ویژگی‌هایی دارند؟

• آیا علم آنان اشتدادپذیر است؟

• مهم‌ترین دستاورد بررسی نشانه‌شناختی «قوم یعلمون» در سوره فصلت چیست؟

نگارندگان برای پاسخ به این سؤالات از دانش نشانه‌شناسی و مطالعات نشانه‌شناختی گریماس استفاده کرده‌اند. گریماس مانند دیگر ساختارگرایان، پایه اصلی کار خود را بر مبنای تقابل‌های دوتایی یا مقوله‌های معنایی قرار می‌دهد. وی با ابزار نشانه معنانشناسی به استخراج معانی ضمنی و ژرف ساختی روایت‌ها دست می‌زند و آن‌ها را در ساختار تقابلی دوگانه قرار می‌دهد و تجزیه و تحلیل می‌کند؛ سپس با پی‌گرفتن خط سیر روایتی، پویایی معانی موجود را به نمایش در می‌آورد.

شیوه این پژوهش، توصیفی - تحلیلی است و هدف از آن، کشف ویژگی‌های «قوم یعلمون» در سوره فصلت و بررسی آن در نظام گفتمان روایی در قالب شش نقش و ارتباط این نقش‌ها با یکدیگر می‌باشد. در ادامه این نوشتار، در بخش دوم، پیشینه‌ای از موضوع این پژوهش به دست داده می‌شود. در بخش سوم، تعاریفی از نشانه‌شناسی، ساختار زیربنایی گفتمان و نظام گفتمانی روایی ارائه می‌شود. در بخش چهارم، جایگاه «قوم یعلمون» در سوره فصلت با ساختار زیربنایی گفتمان و نظام روایی گریماس بازخوانی و در بخش آخر، نتایج این پژوهش بیان می‌شود.

پیشینه تحقیق

در زمینه مطالعات نشانه - معنانشناختی گریماس، در ادبیات و مطالعه داستان‌های ادبی نظریه‌هایی مطرح شده و پژوهش‌های گوناگونی صورت گرفته است. به عنوان مثال، فردریک جیمسون چنین کاری را در مورد رمان چارلز دیکنز به نام «روزهای سخت» انجام داده است. پورشهرام (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان «خوانشی ساختارگرایانه از داستان کلاغ‌های نادر ابراهیمی»، با استفاده از شیوه‌های جدید و به کارگیری الگوی کنش‌گر گریماس، این داستان را بررسی می‌کند. غلامحسین زاده و دیگران (۱۳۸۹) روایت‌شناسی نشانه‌ها در «افسانه» نیما را بررسی کرده‌اند. فضیلت و نارویی (۱۳۹۰)، در مقاله خود با عنوان «تحلیل ساختاری داستان جولاهه با مار بر پایه نظریه گریماس»، به تحلیل ساختارگرایانه این داستان پرداخته‌اند.

اما با این وجود باید گفت که استفاده از این روش در مطالعات قرآنی کمتر به چشم می‌خورد. صدقی و گنج‌خانلو در مقاله «تحلیل ساختار روایی داستان حضرت سلیمان(ع) و ملکه سبأ بر پایه الگوی روایی گریماس»، با بررسی نظام روایی داستان حضرت سلیمان(ع) و ملکه سبأ بر پایه مطالعات روایی گریماس، این داستان را هم به لحاظ روساخت و هم از نظر

ژرف ساخت روایت، بر اساس زنجیره‌ها و گزاره‌های روایی نظریه گریماس، مورد ارزیابی قرار داده‌اند. اشرفی و دیگران در مقاله «تجزیه و تحلیل داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم بر اساس نظریه پراپ و گریماس»، این داستان را بر اساس زنجیره‌های سه‌گانه گریماس مورد بررسی قرار داده‌اند. حق بین و بیدادیان قمی در مقاله «بررسی نشانه - معناشناسی آیات مربوط به قیامت و معاد از سوره‌ی قیامت بر پایه‌ی مطالعات نشانه‌شناختی گریماس»، به بررسی نشانه - معناشناسی آیات قیامت و معاد با مطالعات نشانه‌شناختی گریماس، به‌ویژه با مربع نشانه‌شناختی او پرداخته‌اند و مراتب نفس را که در آیات سوره قیامت به آن‌ها اشاره شده است، با نظام گفتمانی روایی گریماس تطبیق داده‌اند.

پژوهش‌ها و مقالاتی که در این زمینه و با این روش تاکنون انجام شده به این صورت است که غالباً داستان‌های قرآنی با این روش مورد تحلیل قرار گرفته‌اند و عناصر اصلی هر داستان و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر توضیح داده شده است، اما در این پژوهش سعی شده است تا یک موضوع خاص (قوم یعلمون) در یک سوره مورد نظر به شیوه روایت‌گونه و با برجسته ساختن عناصر اصلی مرتبط با این موضوع مورد بررسی قرار گیرد و تأثیر و تأثر تعامل‌های مربوط به این گروه خاص بر یکدیگر توضیح داده شود و علاوه بر این با پیگیری میزان تأثیر این تعامل‌ها بر یکدیگر و شناسایی تقابل‌ها راهکارها و موانع رسیدن به علم را مشخص نماید.

۱. چیستی نشانه و نشانه‌شناسی

نشانه، واحد معناداری است که به‌عنوان چیزی که در برابر چیز دیگری (غیر خودش) قرار دارد، تفسیر می‌شود (قائم‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۵۹). برخی دیگر گفته‌اند که ساده‌ترین تعریف «نشانه»^۱ عبارت است از «مجموعه‌ای دوگانه، متشکل از یک مفهوم و یک صورت آوایی» (دینه‌سن، ۱۳۸۹، ص ۲۶). همچنین گفته‌اند «ترکیب مفهوم و صورت آوایی رو نشانه می‌نامیم» (دوسوسور، ۱۳۸۹، ص ۹۷؛ دینه‌سن، ۱۳۸۹، ص ۲۶).

نشانه‌ها می‌توانند صورت‌های گوناگونی از قبیل کلمات، تصاویر و حتی رفتارها را داشته باشند و تنها زمانی نشانه می‌شوند که کاربران آن‌ها را در برابر معنایی به کار می‌گیرند (گیرو، ۱۳۸۳، ص ۱۴۰) و هدف از کاربرد آن‌ها، انتقال پیامی به دیگری است (گیرو، ۱۳۸۳، ص ۳۹). بر همین اساس، می‌توان گفت نشانه‌شناسی، نگاهی نظام‌مند به معنا دارد و نظام معنا را در مقام ارتباط با دیگران بررسی می‌کند (قائم‌نیا، ۱۳۸۹، صص ۲۸-۲۹).

^۱ . signe

این دانش در قرن بیستم گسترش پیدا کرد (عیاشی، ۱۴۲۹، ص ۳۳) و فردینان دوسوسور،^۲ زبان‌شناس سوئیسی و چارلز ساندرس پیرس،^۳ فیلسوف آمریکایی از بنیان‌گذاران این دانش شناخته می‌شوند که الگوهای از مفهوم نشانه به دست داده‌اند. از جمله کسانی که در مورد نشانه‌شناسی نظریه‌پردازی کرده است، آلژیرداس ژولین گریماس،^۴ اهل لیتوانی و بنیان‌گذار شاخه فرانسوی نشانه‌شناسی است که به نام «مکتب پاریس» شناخته می‌شود. گریماس در نظریه نشانه معناشناسی خود و در جریان تولید تا دریافت معنا، بر ژرف‌ساخت گفتمان و ساختارهای انتزاعی تأکید می‌کند (گریماس، ۱۳۸۹، ص ۹) که در ادامه به اجمال معرفی می‌شوند.

۱-۱. ساختار زیربنایی گفتمان

شعیری از سه سطح در مطالعات نشانه - معناشناختی گریماس در فرایند تولید و دریافت معنا یاد می‌کند:

الف) سطح اول، معنا شامل صورت‌های متعدد و نامحدودی از نمایه‌های قابل مشاهده است.

ب) سطح دوم که در آن شکل‌گیری دستور زبان روایی با کارکردهای کنشی، تقابلی، القایی، ارجاعی و غیره رخ می‌دهد، همان روساخت گفتمانی است.

ج) سطح سوم که ژرف‌ساخت گفتمانی را تشکیل می‌دهد، سطحی انتزاعی است که آن را «ساختارهای اولیه معنا» یا «ساختار زیربنایی گفتمان» نیز نامیده‌اند (شعیری، ۱۳۸۱، ص ۷). ساختارگرایان بر رابطه‌های تقابلی از نوع تثبیت شده پافشاری می‌کردند و از نظر آنان، معنا زمانی به وجود می‌آید که تقابل در کار باشد (شعیری و وفایی، ۱۳۸۸، ص ۳۹). بنابراین، گریماس الگویی با عنوان «ساختار ابتدایی معنا» به دست می‌دهد که در سطوح زیرین متن قرار دارد و بر پایه تقابل‌های دوتایی شکل می‌گیرد. گریماس در معناشناسی بنیادی یا ساختار زیربنایی گفتمان به بنیادی‌ترین مقوله‌های معنایی اشاره دارد و درک تقابل‌ها را زیر بنای آن چیزی می‌داند که «ساختار بنیادی دلالت» نامیده است (سجودی، ۱۳۸۷، ص ۱۱۵).

از نظر گریماس بنیادی‌ترین چارچوبی که ذهن انسان در قالب آن، به جهان ساختار می‌بخشد و سپس مفهوم آن را درک می‌کند، تقابل است و به همین دلیل، برای درک ساختار متن، ابتدا باید تقابل‌ها را درک کرد (تایسن، ۱۳۸۷، ص ۳۶۴).

² . Ferdinand de Saussure

³ . Charles Sanders Peirce

⁴ . Algirdas Julien Greimas

او پس از آنکه تقابل‌ها را مبنای نظریه خود قرار داد، یک سطح تفکر پیش‌زبانی را فرض می‌کند که در آن به این تقابل‌های ابتدایی، شکلی انسان‌گونه داده می‌شود که به واسطه آن، تقابل‌های منطقی با مفهومی ناب به مشارکینی در یک موقعیت جدلی بدل می‌شوند، اگر به این مشارکین ویژگی‌های فردیت بخش داده شود، به کنش‌گر یا به عبارت دیگر، شخصیت تبدیل می‌شوند (اسکولز، ۱۳۷۹، ص ۱۴۷). بر این اساس، گریماس مانند دیگر ساختارگرایان، شخصیت را جزئی از متن و تابع کنش‌ها می‌داند (تایسن، ۱۳۸۷، ص ۳۶۴).

۲-۱. نظام گفتمانی روایی

نظریه پردازان روایت‌شناسی، روش‌های گوناگونی را برای کشف دستور زبان روایت ارائه داده‌اند، اما به نظر می‌آید «ولادیمیر پراپ»^۵ فراتر از سایرین باشد؛ زیرا پیشرفت‌های جدید در روش‌شناختی روایت‌شناسی مدیون انتشار کتاب «ریخت‌شناسی حکایت» نوشته وی به سال ۱۹۲۸ است (آدام، ۱۳۸۵، ص ۱۵). پس از پراپ، گریماس با تکمیل نظریه وی، «معناشناسی روایت» را مطرح کرد که در پی روشمندی مطالعه و بررسی متون یا کلام در خدمت تجزیه و تحلیل گفتمان می‌باشد و در واقع کلیدی برای گشایش درهای متن یا کلام است (شعیری، ۱۳۸۱، ص ۴) و موشکافانه ساختارهای زبانی و معنایی متون را بررسی می‌کند. او معتقد است نظام از پیش موجود نیست، بلکه باید ساخته یا تدوین شود (لچت، ۱۳۷۸، ص ۲۲۷).

مهم‌ترین نقش گریماس در گسترش نشانه‌شناسی، ارائه مجموعه‌الگوی روایی در معناشناسی ساخت‌گراست. او سلیس‌تر از همه از کاربردهای روایت‌شناسی در شناخت سازمان صوری نظام‌های پیچیده‌ی نشانه‌شناختی دفاع کرده است (السیسور، ۱۳۸۳، ص ۸۳). این نشانه‌شناس ساخت‌گرا دستوری برای روایت، ارائه کرد که می‌تواند تمام ساختارهای روایی شناخته شده را باز تولید کند. او در نتیجه ساده کردن هفت نقش «ولادیمیر پراپ» در طرح وارۀ روایی کنش، شش نقش روایی را در سه جفت متقابل به دست می‌دهد. این نقش‌ها عبارتند از: عامل مسبب، عامل فاعلی، موضوع ارزشی، گیرنده، عامل یاری‌دهنده و عامل بازدارنده (معین، ۱۳۸۳، ص ۱۱۸).

ارتباط عامل مسبب با عامل فاعلی از نوع ترغیبی است، یعنی عامل مسبب، عامل فاعلی را ترغیب می‌کند که مثلاً به ارزش موضوع ارزشی، واقف شود و برای رسیدن به آن، عمل بکند. در این سیر روایتی، عامل یاری‌دهنده او را برای دستیابی به موضوعات ارزشی یاری

⁵ Vladimir propp

می‌دهد، عامل بازدارنده، مانع پیوستگی عامل فاعلی با موضوع ارزشی می‌شود و عامل گیرنده، از این پیوستگی بهره می‌گیرد (گریماس، ۱۹۸۳، ص ۸۶).

۲. جایگاه «قوم یعلمون» به روایت سوره فصلت

محققان روایت‌شناسی ساختارگرا همچون، پراپ و گریماس بر ساختار روایت‌ها تأکید کرده و کوشیده‌اند عناصر سازنده روایت‌ها مثل طرح، شخصیت، زاویه دید، راوی، زمان و مکان را توصیف و تحلیل کنند. گریماس معتقد است می‌توان از عناصر روایت‌سازی عینی به ساختارهایی دست یافت که در عمق متن واقع شده‌اند و دارای معنا هستند (خادمی، ۱۳۹۰، ص ۹۸) و یکی از مباحث مهم روایت‌شناسی ساختارگرا، یافتن دستور زبان داستان است؛ یعنی قانون‌مندی‌ها و قواعدی که بر قصه‌ها و داستان‌ها حاکم است (اخوت، ۱۳۷۱، ص ۱۴۵).

از این رو در بخش اول، برای یافتن جایگاه «قوم یعلمون» در سوره فصلت، ابتدا این سوره طبق الگوی ساختار زیربنایی گفتمان بازخوانی می‌شود و آیات آن به دو دسته؛ یعنی آیات مرتبط با عملکرد «قوم یعلمون» و آیات مرتبط با عملکرد گروه مقابل تقسیم شده، سپس با بررسی و تحلیل عملکرد هر گروه، قوانین و قواعد آن گروه نسبت به گروه مقابل کشف خواهد شد. در بخش دوم، آیات این سوره طبق نظام گفتمانی روایی گریماس بازخوانی می‌شوند تا نقش دیگر عناصر این سوره به نسبت ارتباط آن‌ها با «قوم یعلمون» مشخص شود.

۱-۲. بازخوانی سوره فصلت با ساختار زیربنایی گفتمان

در این بخش، آیاتی از سوره فصلت که مربوط به عملکرد «قوم یعلمون» است و آیاتی که مقابل این قوم، قرار می‌گیرند، در جدول زیر به تفکیک آورده شده‌اند. با توجه به این آیات می‌توان با تحلیل عملکرد «قوم یعلمون»، راهکارهای رسیدن به علم و با تحلیل عملکرد گروه مقابل، موانع رسیدن به علم را شناسایی کرد. در این سوره گروهی که در برابر «قوم یعلمون» قرار گرفته‌اند، با عنوان «کافر» معرفی شده‌اند.

با مطالعه و دقت در این دسته از آیات، روشن می‌شود که مهم‌ترین مؤلفه‌های معنایی «قوم

یعلمون» در این سوره عبارتند از:

- داشتن عزم و اراده (آیه: ۳)،
- استقامت و استغفار (آیه: ۶)،
- ایمان به آیات (آیه: ۸)،
- انجام عمل صالح (آیه: ۸)،

- اطاعت از امر خدا (آیه: ۱۱)،
 - ابراز ربوبیت خداوند و استقامت در این مسیر (آیه: ۳۰)،
 - نداشتن خوف و حزن، دعوت دیگران به سوی خدا (آیات: ۶، ۹، ۳۳)
 - داشتن صبر (آیه: ۳۵)،
 - استعاذه به خداوند در برابر شیطان (آیه: ۳۶)،
 - دیدن آیات و سجده برای خداوند (آیه: ۳۷)،
 - دیدن خشوع زمین و علم به قدرت خداوند برای زنده کردن اموات (آیه: ۳۹).
- همچنین مهم‌ترین مؤلفه‌های معنایی گروه «کفار» در این سوره عبارتند از:
- اعراض از آیات و نپذیرفتن آن‌ها (آیه: ۴)،
 - ابراز به اینکه ورودی‌های (قلب، گوش) آنان برای دریافت علم در حجاب و پوشش قرار گرفته است (آیه: ۵)،
 - پرداخت نکردن زکات و عدم ایمان به آخرت (آیه: ۷)،
 - انکار رسالت پیامبران (آیه: ۱۴)،
 - استکبار و جحد نسبت به آیات فرستاده شده (آیه: ۱۵)،
 - عدم میل و علاقه به هدایت (آیه: ۱۷)،
 - منع کردن دیگران از شنیدن آیات قرآن و بی‌توجهی به آن (آیه: ۲۶)،
 - الحاد نسبت به آیات (آیه: ۴۰)،
 - پوشاندن ذکر (آیه: ۴۱)،
 - اعراض از نعمت (آیه: ۵۱)،
 - شک و تردید نسبت به لقاء رب (آیه: ۵۴).

با مقایسه و تحلیل عملکرد این دو گروه در سوره فصلت، روشن می‌شود که انسان برای رسیدن به علم باید آیات خداوند را رؤیت کند و دیگران را نیز به دیدن و شنیدن این آیات دعوت کند، این علم با کمک دیگران و دعوت آنان به سوی خدا به دست می‌آید و با خود بزرگ بینی و منع دیگران در تقابل است، همچنان‌که کفار در این سوره، ورودی‌های خود (قلب، گوش) را برای دیدن و شنیدن آیات در حجاب و پوشش قرار داده‌اند و دیگران را نیز از دیدن و شنیدن آیات منع می‌کنند. نکته دیگری که از مطالعه آیات و بررسی عملکرد این دو گروه به دست می‌آید، ویژگی و یا قابلیت مشترکی است که خداوند در وجود همه انسان‌ها قرار داده است. آیات بیانگر تقابل میان قوم یعلمون و کفار در جدول ذیل درج شده است:

جدول ۱: آیات مرتبط با «قوم یعلمون» و کفار در سوره فصلت

آیات مرتبط	تقابلها
<p> كِتَابٌ فَصَّلْتَ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿٣﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاستَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٨﴾ قُلْ أَنتُمْ كِتَابٌ لِّتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أَندَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٩﴾ ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١١﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّمَا يَنزَعَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾ </p>	<p> قوم یعلمون </p>
<p> بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿٤﴾ قَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ مِّنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَاعْمَلْ إِنَّا نَعْمَلُونَ ﴿٥﴾ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿٧﴾ إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلْنَا مَلَائِكَةً فَيَأْتِيَا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿١٥﴾ أَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٧﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَىٰ فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَتَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ﴿٥١﴾ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَّا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ ﴿٥٤﴾ </p>	<p> گروه کفار </p>

خداوند در این سوره می‌فرماید: «وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَ بَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ» (فصلت: ۱۰)، علامه طباطبایی ذیل این آیه می‌گوید که منظور از «سؤال»، احتیاج و استعداد است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۶۴). طبق این آیه، خداوند روزی و اقوات را برای همه انسان‌ها به صورت مساوی قرار داده است، هرکس به میزان احتیاج و استعداد خود بهره‌مند خواهد شد و در آیات قبل، خطاب به رسولش می‌فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَ اسْتَغْفِرُوهُ وَ وَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ» (فصلت: ۶).

طبق این آیه، رسول وظیفه دارد که با دعوت انسان‌ها به سوی خداوند، سؤال و طلب آنان را در مسیر هدایت قرار دهد و نمی‌تواند انسان‌ها را وادار به هدایت کند؛ چنان‌که در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ...» (فصلت: ۱۷)، طبق این آیه، خداوند هدایت را برای قوم ثمود قرار داده است، اما آنان ضلالت را بر هدایت ترجیح دادند و در مقابل مؤمنانی هستند که خداوند در وصف آنان می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ».

در این آیه، خداوند از کسانی سخن می‌گوید که هدایت شده‌اند و با استقامت در این مسیر و نداشتن خوف و حزن به بهشت می‌روند. بنابراین، رسیدن به علم، اختیاری است و با عزم و اراده، علاقه و میل درونی، استقامت، دعوت دیگران به سوی خدا، نفی استکبار و خود بزرگ بینی، حاصل می‌شود و با تقویت این عوامل، می‌توان میزان بهره‌مندی از علم را افزایش داد؛ زیرا خداوند برای این علم، حدی تعیین نکرده است و آن را به صورت فعل مضارع به کار برده است «لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ» که دلالت بر استمرار دارد و نشان می‌دهد که این علم، دارای مراتب است؛ به طوری که هر علمی مقدمه‌ای برای رسیدن به علم دیگری خواهد شد و در نهایت اینکه «قوم یعلمون» با عملکرد خود می‌توانند، آیه‌ای برای تبیین حق قرار گیرند، تا آیه ۵۳ این سوره «سُورِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» محقق شود و به درجه ظهور برسد.

۲-۲. بازخوانی سوره فصلت با نظام گفتمانی روایی

در این بخش برای کشف جایگاه «قوم یعلمون» در سوره فصلت به نسبت سایر عوامل، شش نقش اصلی یا به تعبیر گریماس، «کنش‌گر»، بازیابی شده است که عبارتند از:

الف) کنش‌گزار: عامل یا نیرویی است که «کنش‌گر» را به دنبال خواسته یا هدفی می‌فرستد.

ب) کنش‌پذیر: کسی است که از «کنش‌گر» سود می‌برد.

ج) کنش‌گر: معمولاً مهم‌ترین شخصیت داستان است که عمل را انجام می‌دهد و به سوی «شیء ارزشی» خود می‌رود.

د) شیء ارزشی: هدفی است که «کنش‌گر» به سوی آن می‌رود یا عملش را بر روی آن انجام می‌دهد.

ه) ضد کنش‌گر: کسی است که جلوی رسیدن «کنش‌گر» را به «شیء ارزشی» می‌گیرد.
و) کنش‌یار: او «کنش‌گر» را یاری می‌دهد تا به «شیء ارزشی» برسد (گریماس، ۱۹۸۳، ص ۸۶).

در این ساختار، فاعل، عنصر محوری کنش داستان است و هدف، آن چیزی است که فاعل با کنش‌هایی در پی دستیابی به آن است (محمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۱۴) و در این مسیر، با مقاومت حریف روبه‌رو می‌شود و یک قدرت راسخ (فرستنده) او را به مأموریت گسیل می‌دارد (مکاریک، ۱۳۸۴، ص ۱۵۲). باید توجه داشت که نیروی یاری‌گر و نیروی مخالف، الزاماً شخصیت انسانی نیستند، بلکه یک تفکر، احساس، توانایی و یا عدم توانایی می‌تواند به‌عنوان یاری‌گر و مخالف در روایت حضور یابد. کنش‌گزار یا فرستنده نیز عموماً یک احساس و یا ویژگی ذاتی است که به‌صورت فطری در همه انسان‌ها وجود دارد (احمدی، ۱۳۷۰، ص ۱۶۳).

در این بخش، برای روایت «قوم یعلمون» در سوره فصلت، ابتدا آیات این سوره را دسته‌بندی و سپس نقش هر کدام از عوامل (شش نقش روایی گریماس) را در دسته آیات مشخص می‌کنیم و در قسمت جمع بندی، جایگاه «قوم یعلمون» در این سوره را به نسبت همه نقش‌ها و عوامل روایی در همه دسته آیات این سوره، بررسی خواهیم کرد.

۲-۱-۲-۱. تحلیل سیاقی آیات سوره فصلت

آیات سوره فصلت با توجه به دسته‌بندی علامه طباطبایی بر اساس سیاق سوره به چهار دسته تقسیم می‌شوند:

۲-۱-۲-۲. تحلیل دسته اول

خداوند متعال در بخش اول این سوره می‌فرماید:

ح ﴿۱﴾ تَنْزِيلٌ مِنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿۲﴾ كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ ﴿۳﴾ بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ ﴿۴﴾ وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْنَا إِنَّنَا عَامِلُونَ ﴿۵﴾ قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاستَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ ﴿۶﴾ الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ ﴿۷﴾ إِنَّ

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ هُمْ أَجْرٌ عَزِيزٌ مَّمْنُونٍ ﴿٨﴾ قُلْ أَنتُمْ لَكُمْ قُلُوبٌ فَكُلُّوا بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ
وَيَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ ﴿٩﴾ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِنْ فَوْقِهَا وَبَارَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا
فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّائِلِينَ ﴿١٠﴾ ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ
كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ ﴿١١﴾ فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ
الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ ﴿١٢﴾

عوامل روایی دسته اول عبارتند از:

الف) کنش گزار: در آیه دوم این سوره اشاره شده که قرآن از جانب خداوند رحمان و رحیم نازل شده است، تنزیل قرآن که همراه با صفت رحمانیت و رحیمیت خداوند صورت گرفته در این دسته به عنوان کنش گزار معرفی می شود.

ب) کنش پذیر: در آیه هشتم این سوره از پاداشی تمام نشدنی برای مؤمنان سخن می گوید. در این دسته «الذین آمنوا» کسانی هستند که با ایمان، استقامت و استغفار خود را از صفات رحمانیت و رحیمیت خداوند بهره مند می سازند.

ج) کنش گر: طبق آیات ابتدایی سوره فصلت، با تنزیل قرآن از سوی خداوند دو موضع گیری متفاوت به نسبت قرآن شکل گرفت. گروه اول «قوم یعلمون» می باشند که با ایمان نسبت به آیات و عمل صالح از پاداشی تمام نشدنی بهره مند شدند و گروه مقابل آن، مشرکین و کافران می باشند که با اعراض و عدم پذیرش آیات قرآن خود را گرفتار عذاب ساختند.

د) شیء ارزشی: در این سوره خداوند به پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمْ إِلَهٌ وَاحِدٌ» (فصلت: ۶)، طبق این آیه رسیدن انسان ها به وحدانیت خداوند و ابراز آن در عمل به عنوان شیء ارزشی در این دسته معرفی می شود.

ه) ضد کنش گر: با توجه به آیات ابتدایی سوره فصلت که خداوند از زبان مشرکین می فرماید: «وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ» (فصلت: ۵) و در آیات دیگر در معرفی آنان می فرماید: «الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ» (فصلت: ۷)، «قُلْ أَنتُمْ لَكُمْ قُلُوبٌ خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ وَتَجْعَلُونَ لَهُ أُنْدَادًا ذَلِكَ رَبُّ الْعَالَمِينَ» (فصلت: ۹)، بهانه جویی مشرکان در مورد عدم دسترسی آنان به محتوای نزول و آیات قرآن، پرداخت نکردن زکات، عدم ایمان به آخرت و شریک قرار دادن برای خداوند از مواردی است که در این دسته به عنوان ضد کنش گر معرفی می شوند و آنان را از رسیدن به هدف خود باز می دارد.

(و) کنش یار: در این سوره پیامبر اکرم (ص) با معرفی خود به عنوان بشری از جنس سایر انسان‌ها و دعوت آنان به استقامت و استغفار و همچنین دعوت انسان‌ها به رؤیت خلقت خداوند در آسمان و زمین به عنوان عامل یاری دهنده در این دسته معرفی می‌شود.

۲-۱-۲-۲. تحلیل دسته دوم

خداوند متعال در بخش دوم این سوره می‌فرماید:

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ وَثَمُودَ ﴿١٣﴾ إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ
 وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ ﴿١٤﴾ فَأَمَّا عَادُ
 فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِعِبْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً
 وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿١٥﴾ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنَدِيَقَهُمْ عَذَابَ الْحِزْيِ فِي الْحَيَاةِ
 الدُّنْيَا وَلِعَذَابِ الْآخِرَةِ أُخْرَى وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ ﴿١٦﴾ وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَى عَلَى الْهُدَى
 فَأَخَذْتَهُمْ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ ﴿١٧﴾ وَجَعَلْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ ﴿١٨﴾ وَيَوْمَ
 يُخَشِّرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿١٩﴾ حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَارُهُمْ وَجُلُودُهُمْ
 بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٠﴾ وَقَالُوا لَوْلَا دَعَاؤُنَا لَمَّا شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا فَالَوْ أَنزَلْنَا اللَّهُ الَّذِي نُنطقُ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ
 أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَشِيرُونَ أَن يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَارُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ
 ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا بِمَا تَعْمَلُونَ ﴿٢٢﴾ وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ
 الْخَاسِرِينَ ﴿٢٣﴾ فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا لَهُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ ﴿٢٤﴾ وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ
 فَزَيَّنُّوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّ قَدْحَلْتٍ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ
 كَانُوا خَاسِرِينَ ﴿٢٥﴾

عوامل روایی دسته دوم عبارتند از:

الف) کنش گزار: در این دسته، آیات با انذار و هشدار آغاز می‌شوند که این انذار و ترس از عذاب شدن برای گروهی از انسان‌ها، عاملی است که سبب می‌شود به خدا ایمان بیاورند و در مقابل، احساس قدرت، خود بزرگ بینی و عدم میل به هدایت در کافران سبب می‌شود که به خدا ایمان نیاورند.

ب) کنش پذیر: در این سوره خداوند بعد از آیات انذار و هشدار می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (فصلت: ۱۸)، طبق این آیه کسانی که به خدا ایمان آورده و از متقین باشند، در این کنش سود خواهند برد.

ج) کنش گر: در این دسته، دو گروه فاعل هستند؛ گروه اول، مؤمنانی که به واسطه ایمان خود، در دایره رحمت خداوند قرار می‌گیرند و از صاعقه و عذاب خداوند نجات پیدا می‌کنند

و گروه دوم، کافرانی که با انکار رسول و عدم ایمان، استکبار و جحد نسبت به آیات خود را به عذاب خداوند نزدیک می‌کنند.

د) شیء ارزشی: در این دسته با توجه به اینکه آیات عذاب و انذار آن بیشتر از سایر دسته‌ها می‌باشد و در این دسته از عملکرد و عاقبت کافران بیشتر سخن رفته است، بنابراین ایمان به رسول و انکار نکردن آیات برای نجات از عذاب خداوند در این دسته به‌عنوان شیء ارزشی معرفی می‌شود.

ه) ضد کنش‌گر: در آیات ابتدایی دسته دوم از عملکرد و ویژگی‌های رفتاری و باوری کافران در مواجهه با رسول سخن می‌گوید. خداوند در این آیات می‌فرماید: «قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» (فصلت: ۱۴)، «وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ...» (فصلت: ۱۷)، طبق این آیات عدم ایمان به رسول، انکار کردن آیات، استکبار و خود بزرگ بینی و میل نداشتن به هدایت از جمله عواملی هستند که انسان را از رسیدن به هدف و شیء ارزشی باز می‌دارند.

و) کنش‌یار: در آیات ابتدایی این دسته خداوند می‌فرماید: «إِذْ جَاءَهُمُ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ» و در آیات بعد می‌فرماید: «وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ» (فصلت: ۲۲)، «وَدَلَّكُمْ ظَنُّكُمْ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْذَاكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (فصلت: ۲۳)، طبق این آیات ایمان داشتن به رسول و ظن نداشتن نسبت به خداوند از جمله عواملی است که می‌تواند انسان را برای رسیدن به هدف خود یاری دهد.

۲-۱-۳. تحلیل دسته سوم

خداوند متعال در بخش سوم این سوره می‌فرماید:

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْعَوَّا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ فَلَنْذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنْجِزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ ﴿٢٧﴾ ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ هُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ ﴿٢٨﴾ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أُضْلَلْنَا مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَفْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ ﴿٢٩﴾ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَخْزَنُوا وَأَنْبِشُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ ﴿٣٠﴾ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهُنَّ أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ ﴿٣١﴾ نُزِّلَا مِنْ غَفُورٍ رَحِيمٍ ﴿٣٢﴾ وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ ﴿٣٣﴾ وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ ﴿٣٤﴾ وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا دُونَ حَظِّ

عَظِيمٌ ﴿٣٥﴾ وَإِنَّا يَنْزِعُكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ ﴿٣٦﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ ﴿٣٧﴾ فَإِن اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ﴿٣٨﴾ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ ﴿٣٩﴾

عوامل روایی دسته سوم عبارتند از:

الف) کنش گزار: این دسته از آیات با سخن کافران در مورد قرآن آغاز می‌شود، خداوند از زبان کافران می‌فرماید: «وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ» (فصلت: ۲۶)، سخن کافران در مورد بی‌توجهی به قرآن و تشویق و امر کردن دیگران به این کار با وعده پیروزی و غلبه یافتن در این دسته به‌عنوان عامل کنش‌گزار معرفی می‌شود.

ب) کنش پذیر: در این دسته، بعد از سخن کافران و بیان عذاب آنان خداوند می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنتُمْ تُوعَدُونَ»، طبق این آیه کسانی که نسبت به سخن کافران بی‌اعتنا هستند و ربوبیت الله را ابراز کرده‌اند و در این مسیر استقامت ورزیده‌اند، در این کنش سود خواهند برد و ملائکه بر آنان نازل شده و آنان را به بهشت بشارت می‌دهند.

ج) کنش‌گر: در این دسته، دو گروه فاعل هستند؛ گروه اول، کافران با دعوت دیگران به عدم توجه به آیات قرآن و جحد نسبت به آیات سعی دارند تا دیگران را از مسیر هدایت منحرف سازند و آنان را از رسیدن به هدف خود باز دارند. گروه دوم، مؤمنانی که در برابر سخن کافران استقامت می‌ورزند و با استعاده به خداوند و توجه به آیاتش برای او سجده می‌کنند و به بهشت بشارت داده می‌شوند.

د) شیء ارزشی: در این دسته، دو گروه مقابل یکدیگر قرار دارند، کافرانی که دیگران را از شنیدن آیات و پذیرش آن‌ها نهی می‌کنند و مؤمنانی که به قرآن و آیاتش ایمان دارند. در ادامه خداوند در مورد مؤمنان می‌فرماید: «تَحَنُّنٌ أَوْلِيَانَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ* نُزُلًا مِنْ غُفُورٍ رَحِيمٍ» (فصلت: ۳۱-۳۲)، طبق این آیات، بهره‌مند شدن از غفران و رحمت خداوند به‌عنوان شیء ارزشی در این دسته معرفی می‌شود. علامه طباطبایی ذیل آیه «وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ» (فصلت: ۳۳) می‌گوید که منظور از این آیه پیامبر اکرم (ص) است، هر چند که لفظ آیه عمومیت دارد و شامل همه کسانی می‌شود که به سوی خدا دعوت می‌کنند (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۹۱).

هـ) ضد کنش‌گر: در این دسته بعد از بیان عملکرد و عاقبت کافران و مؤمنان به نقش شیطان اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نِزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ» (فصلت: ۳۶) شیطان و کافرانی که سعی دارند با انکار کردن و پوشاندن آیات، انسان را از قرار گرفتن در مسیر رشد و بازگشت به سوی خدا بازدارند.

و) کنش‌یار: در پایان این دسته خداوند به معرفی آیاتی می‌پردازد و می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ...» (فصلت: ۳۷)، «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً...» (فصلت: ۳۹)، در این دسته وجود آیاتی مستمر، قابل رؤیت و در دسترس قرار گرفتن این آیات برای انسان و معرفی آن‌ها از سوی خداوند برای هدایت انسان به‌عنوان عامل یاری دهنده معرفی می‌شوند.

۲-۱-۲-۴. تحلیل دسته چهارم

خداوند متعال در بخش چهارم این سوره می‌فرماید:

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا لَا يَخْفَوْنَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَى فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَنْ يَأْتِي آمِنًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ اعْمَلُوا مَا شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ ﴿٤٠﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ ﴿٤١﴾ لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ ﴿٤٢﴾ مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدْ قِيلَ لِلرُّسُلِ مِنْ قَبْلِكَ إِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ ﴿٤٣﴾ وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ آيَاتُهُ أَأَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ ﴿٤٤﴾ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاحْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِّصَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ ﴿٤٥﴾ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا وَمَا رَبُّكَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ ﴿٤٦﴾ إِلَيْهِ يُرْدُ عِلْمَ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ تَمْرَاتٍ مِنْ أَكْمامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا أَدْنَاكَ مَا مَنَا مِنْ شَهِيدٍ ﴿٤٧﴾ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُمْ مِنْ مَحِيصٍ ﴿٤٨﴾ لَا يَسْأَلُ الْإِنْسَانُ مِنْ دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِنْ مَسَّهُ الشَّرُّ فَيُبْئِسُ فَنُوطٌ ﴿٤٩﴾ وَلَئِنْ أَدْفَنَاهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَطَّلُ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِنْ رُجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُ لِلْخُسْفَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُمْ مِنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ ﴿٥٠﴾ وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ ﴿٥١﴾ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ نُجُومٌ كَفَرْتُمْ بِهِ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ ﴿٥٢﴾ سُرُّبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٥٣﴾ أَلَا إِنَّهُمْ فِي مَرِيَّةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطٌ ﴿٥٤﴾

عوامل روایی دسته چهارم عبارتند از:

الف) کنش گزار: در این دسته خداوند در مورد قرآن می‌فرماید: «وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ * لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» (فصلت: ۴۱-۴۲) و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «هُوَ لِلَّذِينَ آمَنُوا هُدًى وَشِفَاءٌ» (فصلت: ۴۴). طبق این آیات در این دسته نزول کتابی که باطل در آن راه ندارد و برای مؤمنان هدایت و شفاست، به‌عنوان عامل کنش‌گزار معرفی شده است.

ب) کنش‌پذیر: در بخش قبل توضیح داده شد که قرآن برای مؤمنان هدایت و شفاست و در مورد کسانی که به آن ایمان ندارند، می‌فرماید: «وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ فِي آذَانِهِمْ وَقْرٌ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى أُولَئِكَ يُنَادَوْنَ مِنْ مَكَانٍ بَعِيدٍ» (فصلت: ۴۴)، پس تنها مؤمنان هستند که از این کنش سود خواهند برد.

ج) کنش‌گر: در این دسته دو گروه فاعل هستند؛ خداوند در مورد گروه اول می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي آيَاتِنَا» (فصلت: ۴۰)، «إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ» (فصلت: ۴۱)، کافرانی که سعی دارند با جحد و الحاد، آیات را بپوشانند و گروه دوم، مؤمنانی که با ایمان به آیات و انجام عمل صالح، خود را برای لقاء رب آماده می‌سازند.

د) شیء ارزشی: خداوند در آیات پایانی این سوره می‌فرماید: «سَتُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ» (فصلت: ۵۳)، طبق این آیه هدف از نزول قرآن، آمدن ذکر برای انسان‌ها و نشان دادن آیات در آفاق و انفس به منظور تبیین حق و درک محیط بودن خداوند است.

ه) ضد کنش‌گر: در آیات پایانی این سوره خداوند از برخورد انسان در مواجهه با رحمت و نعمت سخن می‌گوید و می‌فرماید: «وَلَكِنَّ أَدْفَنَاهُ رَحْمَةً مِنَّا مِنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسْتَهَّهٍ لِيَقُولَنَّ هَذَا لِي» (فصلت: ۵۰) و «وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ» (فصلت: ۵۱) و در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِنْ لِقَاءِ رَبِّهِمْ» (فصلت: ۵۳)، طبق این آیات ناسپاسی در مواجهه با رحمت، اعراض از نعمت و شک در لقاء رب انسان را از رسیدن به هدف خود باز می‌دارد.

و) کنش‌یار: در این دسته خداوند از دادن کتاب به حضرت موسی(ع) و وجود کلمه‌ای از جانب رب اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاحْتُلِفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ» (فصلت: ۴۵) و در آیات بعد از رحمت و نعمتی سخن می‌گوید که در بخش قبل توضیح آن گذشت. بنابراین، وجود رسول و کتابی که به آن داده شده، رحمت و نعمتی برای انسان است که او را در مسیر هدایت و تبیین حق یاری می‌کند.

۲-۲-۲. جمع بندی و تحلیل روابط معنایی در نظام نشانه‌شناختی

در این بخش، با توجه به نظام گفتمانی روایی گریماس و نقش‌های مطرح شده از سوی او، به تحلیل برخی روابط معنایی در آیات سوره فصلت می‌پردازیم. با در نظر گرفتن ساختار کلی این سوره می‌توان یک الگوی واحد کنشی را برای این روایت در نظر گرفت:

الف) کنش گزار: در این سوره، خداوند و سخنان رسول در دو قالب بشارت و انذار است و گاهی سخن کافران و عملکرد آنان نیز عاملی در جهت گمراهی انسان‌ها می‌شود.

ب) کنش پذیر: دریافت کننده یا کسی که از عمل کنش‌گر سود می‌برد، مؤمنان هستند که با توجه نکردن به سخنان کفار و با تقوا و استقامت در زمینه باور خود یعنی شک نداشتن به لقاء رب، آیه‌ای برای برای تبیین حق و هدایت سایر انسان‌ها قرار می‌گیرند.

ج) کنش گر: در این سوره، کنش‌گران دو گروه مؤمنان و کافران هستند که مؤمنان برای لقاء رب، تلاش می‌کنند و کافران در جهت مقابل آن، فعالیت می‌کنند.

د) شیء ارزشی: در این سوره، کنش‌گران یعنی مؤمنان و کافران هر دو برای رسیدن به هدف خود تلاش می‌کنند. هدف مؤمنان در این سوره لقاء رب، درک محیط بودن خداوند و در نهایت بهره‌مند شدن از غفران و رحمت خداوند و نجات از عذاب است. کافران نیز در این سوره برای رسیدن به اهداف خود که منصرف ساختن مؤمنان می‌باشد، تلاش می‌کنند، اما خداوند در مورد کافران می‌فرماید: «وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَدْعُونَ مِنْ قَبْلُ...» (فصلت: ۴۸)، طبق این آیه آنچه را کافران به‌عنوان هدف خود می‌خواندند، از بین خواهد رفت. به همین دلیل کفار همچون مؤمنان دارای هدف یا شیء ارزشی نیستند؛ زیرا هدف آنان، حق نیست و از بین می‌رود.

ه) ضد کنش‌گر: در این سوره تفکرات و عملکرد گروه کفار به‌عنوان عامل ضد کنش‌گر شناخته می‌شود. از جمله این تفکرات، شک و مریه در لقاء رب، بعید دانستن این امر برای خود به بهانه اکثه، وقر و حجاب، عدم ایمان به آخرت، استکبار و خود بزرگ بینی، عدم میل به هدایت و از جمله عملکردهای کفار در این سوره می‌توان به اعراض از نعمت، نزع قلوب دیگران، اعراض از آیات و عدم پذیرش آن‌ها، عدم پرداخت زکات، جحد نسبت به آیات و پوشاندن ذکر اشاره کرد.

و) کنش‌یار: در این سوره، وجود رسول، وجود آیاتی روشن و مستمر در آفاق و انفس و شک نداشتن به لقاء رب از عوامل یاری دهنده هستند که برخی از این عوامل همچون رسول و مشاهده آیات، بیرونی هستند و برخی چون عدم شک، درونی‌اند که البته رسول در هدایت این عوامل درونی می‌تواند نقش داشته باشد.

جدول 2: جمع بندی عوامل کنشی «قوم یعلمون» در سوره فصلت

عوامل	نقش ها
کنش گزار	رحمان رحیم، قول رسول، قول کافران
کنش پذیر	انسان مؤمن
کنش گر	مؤمنان، کافران
شیء ارزشی	لقاء رب، درک محیط بودن خداوند، بهره‌مند شدن از غفران و رحمت خداوند، نجات از عذاب
ضد کنش گر	تفکرات و عملکرد کفار
کنش یار	رسول به‌عنوان عامل بیرونی و هدایت کننده ظرفیت‌های درونی انسان

نتیجه‌گیری

در این پژوهش برای نشانه‌شناسی «قوم یعلمون» در سوره فصلت، در بخش اول، این سوره با الگوی ساختار زیربنایی گفتمان مورد مطالعه قرار گرفت و طبق این بررسی، «قوم یعلمون» در تقابل با گروه «کفار» تعریف شد.

کفار در این سوره، گروهی هستند که با اعراض از آیات، عدم پذیرش آیات، بسته بودن ورودی‌ها برای شنیدن و درک آیات، جحد و الحاد نسبت به آیات، استکبار و خود بزرگ بینی، عدم علاقه و میل به هدایت، تحریک و نزع دیگران، ایجاد شک و مریه در باور خود و دیگران، به دنبال این هستند تا آیات و ذکر خدا را ببوشانند.

اما در برابر آنان، «قوم یعلمون» هستند که با سمع و پذیرش آیات، اطاعت، خشوع، سجده، دعوت دیگران به سوی خدا، شک نداشتن به لقاء رب، با تقوا، استقامت و استعاذه در این مسیر و با توجه نکردن به سخنان کافران به مسیر خود ادامه می‌دهند تا با رفتار و عملکرد خود، آیه‌ای برای تبیین حق واقع شوند.

همچنین روشن شد که علم آنان، دارای مراتب است و با تقویت راهکارها و ریشه‌یابی موانع می‌توان میزان بهره‌مندی خود را در دریافت علم، افزایش داد. به‌عنوان مثال، سؤال و دریافت اقوات، استحباب و هدایت، نداشتن خوف و حزن با استقامت در تعامل باهم اتفاق می‌افتند، در صورت تقویت بخش اول، بخش دوم افزایش پیدا می‌کند، مثلاً با تقویت سؤال و طلب، اقوات بیشتری دریافت می‌گردد. اما ویژگی‌های دیگر مثل خشوع و استکبار چون در مقابل هم قرار می‌گیرند، باید ریشه‌یابی شوند تا جلوی عملکرد اشتباه آنان گرفته شود.

در بخش دوم، برای بررسی دقیق‌تر «قوم یعلمون»، بار دیگر سوره فصلت با نظام گفتمانی روایی گریماس مطالعه شد. از دیدگاه ساختار روایی در این سوره، کنش‌گزار یا ترغیب‌کننده می‌تواند خدا و سخنان رسولان باشد که کنش‌گر یعنی انسان را به سوی موضوع ارزشی که لقاء رب می‌باشد، سوق می‌دهند. در این سیر روایتی، عامل‌یاری دهنده، رسولان می‌باشند که با هدایت ظرفیت‌های درونی انسان‌ها (به‌عنوان مثال، سؤال و طلب که در این سوره به آن اشاره شده است)، آنان را به دیدن آیات و دعوت به سوی خدا فرا می‌خوانند.

در این سیر، عامل بازدارنده بیرونی، کفار و مشرکینی هستند که انسان‌ها را به عدم توجه به آیات، انکار رسولان و سخنان آنان دعوت می‌کنند و این امر باعث می‌شود تا عامل بازدارنده درونی آنان از جمله تکبر و حب نیز فعال شود و بازدارندگان بیرونی، طلب و میل درونی انسان‌ها را به سمت دیدن خود و احساس تکبر، هدایت می‌کنند که مانع رسیدن عامل فاعلی به موضوع ارزشی یعنی لقاء رب می‌شود.

شایان ذکر است که اگر به جای خدا و رسولان، اله‌های دیگری (از جمله کفار و مشرکین) نقش عامل مسبب یا ترغیب‌کننده را برای عامل فاعلی (انسان) داشته باشند، عامل فاعلی به جای رسیدن به علم، به سوی حجاب، گمراهی و ضلالت پیش خواهد رفت. سؤال و طلبی در انسان وجود دارد که اگر عامل ترغیب‌کننده، خدا و رسولان باشند، سؤال و طلب انسان را در مسیر هدایت و لقاء رب قرار می‌دهند و اگر این عامل ترغیب‌کننده، اله‌های دیگری غیر از خدا باشند، سؤال و طلب انسان به سمت تکبر و خود بزرگ بینی پیش خواهد رفت تا جایی که قدرت خدا و آیات آن را نخواهد دید و در صورت دیدن، انکار خواهد کرد.

کتاب‌نامه:

قرآن کریم.

آدام، ژان میشل؛ زروار، فرانسوا (۱۳۸۵)، *تحلیل انواع داستان*، آذین - حسین‌زاده و کتایون شهپرراد، تهران: قطره.

احمدی، بابک، (۱۳۸۰)، *ساختار و تأویل متن*، چاپ هشتم، تهران: مرکز.

اخوت، احمد، (۱۳۷۱)، *دستور زبان داستان*، اصفهان: نشر فردا.

اسکولز، رابرت، (۱۳۷۹)، *در آمدی بر ساختارگرایی در ادبیات*، ترجمه فرزانه طاهری، تهران: آگاه.

ا شرفی، بتول؛ تاکی، گیتی؛ بهنام‌فر، محمد، (۱۳۹۴)، «تجزیه و تحلیل داستان حضرت یوسف (ع) در قرآن کریم بر اساس نظریه پراپ و گریماس»، *فصلنامه جستارهای زبانی*، شماره ۷، صص ۳۳-۵۲.

پورشهرام، سوسن، (۱۳۸۹)، «خوانشی ساختارگرایانه از داستان کلاغ‌ها نادر ابراهیمی»، *فصلنامه مطالعات ادبیات کودک*، شماره ۴، صص ۷۷-۹۹.

تایسن، لوئیس، (۱۳۸۷)، *نظریه‌های نقد ادبی معاصر*، ترجمه مازیارحسین زاده، فاطمه حسینی، تهران: نگاه امروز حکایت قلم نوین.

چندلر، دانیل، (۱۳۸۷)، *مبانی نشانه‌شناسی*، ترجمه مهدی پارسا، تهران: انتشارات سوره مهر. حق بین، فریده؛ بیدادیان قمی، فهیمه، (۱۳۹۲)، «بررسی نشانه - معناشناسی آیات مربوط به قیامت و معاد از سوره قیامت بر پایه مطالعات نشانه‌شناختی گریماس»، *فصلنامه زبان شناخت*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۴، شماره ۲، صص ۵۱-۷۴.

خادمی، نرگس؛ قوام، ابوالقاسم، (۱۳۹۰)، «شخصیت کنیزک در مثنوی معنوی»، *فصلنامه نقد ادبی*، ش ۱۳، صص ۹۱-۱۱۵.

دوسوسور، فردینان، (۱۳۸۹)، *دوره زبان‌شناسی عمومی*، ترجمه کوروش صفوی، چاپ سوم، تهران: هرمس.

دینه سن، آنه ماری، (۱۳۸۹)، *درآمدی بر نشانه‌شناسی*، ترجمه مظفر قهرمان، چاپ چهارم، آبادان: پرسش.

ساسانی، فرهاد، (۱۳۸۹)، *معناکاوی: به سوی نشانه‌شناسی اجتماعی*، تهران: نشر علم.

سجودی، فرزانه، (۱۳۸۷)، *نشانه‌شناسی کاربردی*، تهران: نشر علم.

السیسور، ت. ا. پوپ (۱۳۸۳)، *مروزی بر مطالعات نشانه‌شناختی سینما*، فرهاد ساسانی، چاپ نخست، تهران: سوره مهر.

شایگان فر، حمیدرضا، (۱۳۹۱)، *نقد ادبی*، تهران: انتشارات حروفیه.

شعیری، حمید رضا؛ وفایی، ترانه، (۱۳۸۸)، *راهی به نشانه‌شناسی سیال: با بررسی موردی ققنوس نیما*، تهران: علمی فرهنگی.

شعیری، حمید رضا، (۱۳۸۱)، *مبانی معناشناسی نوین*، تهران: سمت.

صدقی، حامد؛ گنج‌خانلو، فاطمه، (۱۳۹۵)، «تحلیل ساختار روایی داستان حضرت سلیمان (ع) و ملکه سبا بر پایه الگوی روایی گریماس»، *فصلنامه پژوهش‌های ادبی - قرآنی*، سال ۴، شماره ۳.

طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۴۱۷)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه قم.

عیاشی، منذر، (۱۴۲۹)، *العلاماتیه و علم النص*، دمشق: دار المحبه.

غلامحسین‌زاده، غلامحسین؛ طاهری، قدرت‌ا...؛ کریمی، فرزاد (۱۳۸۹)، «روایت‌شناسی نشانه‌ها در افسانه نیما»، *فصل‌نامه پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی*.

فضیلت، محمود؛ نارویی، صدیقه (۱۳۹۱)، «تحلیل ساختاری داستان جولاهه با مار بر پایه نظریه گریماس»، *فصل‌نامه سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی*.

قائم‌نیا، علیرضا، (۱۳۸۵)، *نشانه‌شناسی و فلسفه زبان*، ذهن، شماره ۲۷.

قائم‌نیا، علیرضا، (۱۳۸۹)، *بیولوژی نص*، قم: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

گریماس، آلژیرداس ژولین، (۱۳۸۹)، *نقصان معنا*، ترجمه و شرح حمیدرضا شعیری، تهران: نشر علم.

گیرو، پی‌یر، (۱۳۸۰)، *نشانه‌شناسی*، ترجمه محمد نبوی، تهران: نشر آگه.

لیجت، جان (۱۳۷۸)، *پنجاه متفکر بزرگ معاصر، از ساختارگرایی تا پسا‌مدرنیته*، محسن حکیمی، چاپ دوم، تهران: خجسته.

محمدی، محمد هادی؛ عباسی، علی (۱۳۸۱)، *صمد: ساختار یک اسطوره*، چاپ اول، تهران: چیستا.

معین، بابک، (۱۳۸۳)، *سیر زایشی معنا*، تهران: انتشارات فرهنگستان هنر.

مکاریک، ایرناریما، (۱۳۸۴)، *دانش‌نامه نظریه ادبی معاصر*، ترجمه مهراں مهاجر و محمد نبوی، تهران: آگه.

هارلند، ریچارد، (۱۳۸۶)، *دیباچه‌ای تاریخی بر نظریه ادبی از افلاطون تا بارت*، ترجمه بهزاد برکت، گیلان: انتشارات دانشگاه گیلان.